

واکاوی مفهوم تروما (روان زخم) در عکس آر تین سرایداران و باوان گلی از دیدگاه فروید

ابوالقاسم دادور^۱، سارا بختیاری^۲

استاد تمام، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران.

دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران.

چکیده

روان زخم به عنوان پدیده فردی و جمعی تلقی می‌شود. در عکس‌های گرفته شده از وقایع تلخ برای کودکان، نوع روان زخم ایجاد شده نیاز به شناخت و واکاوی دارد تا از تأثیرات ماندگار آن جلوگیری نماید. از این رو هدف اصلی پژوهش، دستیابی به مضمون روان زخم در عکس‌های آر تین سرایداران و باوان گلی از دیدگاه فروید بوده است و سؤال مطرح این است که مفهوم روان زخم فردی و جمعی با نظریات روان کاوی فروید چگونه در این دو عکس قابل تشریح و دیده شدن است؟ در جهت پاسخ به این سؤال و نیل به هدف پژوهش، روش تحقیق کیفی از نوع توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات به صورت مطالعات کتابخانه‌ای در جهت تحلیل روان زخم فردی و جمعی در این عکس‌ها استفاده شده است. سرانجام نتایج نشان داد که عکس‌های آر تین سرایداران و باوان گلی، به نوعی بازنمایی فاجعه مبتنی بر احضار آن هستند و مبتنی بر رخداد‌های تلخ برای این دو کودک و حس درد و رنجی که در عکس‌های این دو کودک در حالات چهره و فرم بدنشان می‌توان دید، روان زخم فردی به خوبی هویدا است و دارای نشانه‌های روانکاوی؛ همچون رنج و درد، حس وحشت، اضطراب یا هر حس دردآلود روانی دیگر مرتبط با حادثه که عامل مؤثر و پابرجای آسیب‌زای روانی است را شامل می‌شود. با انتشار تصاویر و بیانیه‌های منتشر شده پیرامون این دو کودک، تأثیر روان زخم فردی، به روان زخم جمعی در ایران تبدیل شد و به نوعی عکس‌های این دو کودک تلاقی میان بازنمایی رنج شخصی و رنج عمومی هستند که منجر به بدل شدن روان زخم فردی به جمعی گشته‌اند. روان زخم جمعی برای مردم ایران با این دو عکس به صورت فرهنگ جراحات نمود پیدا کرده است که همچنان حس رنج و درد روان زخم یک شاهد عینی را مقابل مخاطب قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: روان زخم، عکس، فروید، آر تین سرایداران، باوان گلی.

^۱ .ghadadvar@yahoo.com

^۲ .saraybak64@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

امروزه ایران سرزمینی است که مردمانش با مشکلات و آسیب‌های روحی و روانی زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند. لذا عکس‌هایی هم که از وقایع تلخ کشور گرفته می‌شود، بر این مشکل به شدت می‌افزاید که با شناخت مفهوم تروما (روان زخم) و عوامل روانکاوی می‌توان این تأثیرات روحی را تا حدودی کاهش داد. حال با توجه به آنکه امروزه هنر عکاسی و عکس‌هایی که از ثبت وقایع تلخ گرفته می‌شود، تأثیر بیشتری را نسبت به دیگر عکس‌ها بر مخاطبین و روحیه آن‌ها دارند. از این رو این نوع از عکس‌ها موجب درگیر روح و روان جامعه مخاطب می‌شوند تا جایی که اختلالات روحی و روانی را برای اعضای این جامعه ایجاد می‌نمایند.

روان زخم یا همان تروما بیشتر نشان‌دهنده رنج و درد است. رنج در عکس، پدیده‌ای است که در تصویر منتشر می‌شود. از این رو، آثار عکاسی با مفهوم روان زخم را در مرز بازنمایی و واقعیت قرار می‌دهد. جایی که معنای قابل تشخیص جهان و انسان و خود، دوباره صورت‌بندی می‌شود و بارزترین پیامد تجربه یک رویداد آسیب‌زا این است که بحران بیرونی به تجربه یک بحران درونی منجر می‌شود؛ چراکه روان زخم ماهیتی پس‌نگر دارد و کارکرد موفقیت‌آمیز زنجیره دلالت را تضعیف می‌کند. لازم به ذکر است که پس از اختراع عکاسی، آدمی در تلاش بوده تا فراموشی‌ای را که حاصل از گذر زمان و مکان است، با سازوکار عکاسی از خود دور کنند. از این روی، ماهیت عکس عبارت است از تصدیق همان چیزی که از زمان گذشته بازنمایی می‌کند و اما در زمان حال توسط بیننده‌اش تجربه می‌شود. در واقع، عکس به واسطه خیال‌پردازی‌هایی که در ذهن بیننده در آینده شکل می‌دهد، خاطره‌های گذشته را پر رنگ می‌سازد؛ گویی که در برابر عکس، زمان، انبساط نفس در خاطره و انتظار است. موجودیت انسان از یک «آن و لحظه» سپری شونده و رو به زوال تعیین می‌شود؛ اما برخلاف موجودات دیگر، در جریان حوادثی که بر او می‌گذرد، تعاملی ذهنی برقرار می‌کند. بنابراین ادراک‌ها و دریافت‌های او در حافظه و به صورت خاطره ماندگار می‌شوند. این خاطره‌ها گاه موجب همان تروما یا روان زخم می‌گردند و از تعامل میان ذهن و حوادث گذشته، و انبساط ذهن بر حوادث پرده برمی‌دارند و دریافت و ادراک فرد از عکس را متحول می‌سازند.

ایران در آبان ماه ۱۴۰۱، طی حملات تروریستی دو عکس بسیار خبرساز شد و درد روحی و روانی زیادی را برای مردم به همراه داشت. یکی از این عکس‌ها متعلق به «آرتین سرایداران»، کودکی که در شیراز در جریان حادثه تروریستی حرم شاهچراغ، جان باختن پدر و مادرش را در مقابل چشمانش دید و خود نیز از ناحیه دست مجروح شد، است. و دیگری عکس‌هایی از گریه‌های «باوان گلی» بر سر مزار مادرش «فرشته احمدی» است. این دو عکس بعد از خبرسازی شدن، درد روانی و روحی زیادی را در مردم ایجاد نمود. بر همین هدف اصلی، پژوهش حاضر دست‌یابی به مضمون روان زخم در عکس‌های آرتین سرایداران و باوان گلی از دیدگاه روانکاوی فروید است و پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به سؤال «مفهوم روان زخم فردی و جمعی با نظریات روانکاوری فروید چگونه در عکس آرتین سرایداران و باوان گلی قابل تشریح و دیده شدن است؟» است.

پیشینه تحقیق

در رابطه با پژوهش حاضر، مطالعات متعددی انجام شده است که در ادامه به آن‌ها پرداخته شده است. علاوه بر آثار فروید، کتاب‌ها و مقالات متعددی به تحلیل آرای او در باب روان زخم پرداخته‌اند که بخش عمده‌ای از آن‌ها تألیف روانکاوان حرفه‌ای و پیروان مکتب فروید یا سایر نحله‌های روانکاوی است؛ از جمله این آثار می‌توان به مجموعه مقالات در باب ورای اصل لذت فروید (۲۰۱۱) به ویراستاری سلمان اختر^۱ و ماری اونیل^۲ اشاره کرد که وجوه مختلف کاربردی آرای فروید در زمینه اصل مرگ و روان زخم را در حوزه‌های مختلف مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. مطالعه روان زخم علاوه بر حوزه روانکاوی در زمینه‌های بینارشته‌ای؛ همچون روانشناسی، جامعه‌شناسی، فرهنگ‌شناسی، ادبیات و روایت نیز انجام شده است. خسرو آبادی و سپهران (۱۴۰۱) در مقاله خود با عنوان «رنج در معرض نمایش؛ مطالعه‌ای بر رنج و تروما در نسبت با آثار ساموئل بکت» با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به این نتیجه رسیدند که پذیرش رنج خودآگاهانه بکت و خروجی نوشتاری او، پل ارتباطی میان ناخودآگاه فردی و جمعی انسان پس از جنگ است. «بکت»^۳ در سخت‌ترین سال‌های زندگی‌اش به سراغ «مارسل پروست»^۴، «آرتور شوپنهاور»^۵، «توماس مان»^۶ و «دانته»^۷ می‌رود تا نیروی رنج را درون خود تقویت کند. در بسیاری از آثار او هم، به تبع این مطالعات و تجربیات شخصی‌اش، می‌توان خطوطی از بدن در معرض یا در حضور رنج یافت. در نشانه‌شناسی مسیحی- یکی از زمینه‌هایی که بکت در تاروپود آن زیست کرده است - شمایل این رنج، آشنا به نظر می‌رسد. انتشار رنج، ایده تصلیب است. حال این ایده تصلیب، حولی مجدد در نوشتار بکتی دارد. آدورنو و همکاران (۱۳۹۹) در کتاب خود با عنوان «خاطره، تاریخ و تروما؛ سیاست و ابداع خاطره» به بررسی این مفاهیم در تاریخ و جنگ پرداختند و تروما را اصلی‌ترین عامل ایجاد اختلال روحی و روانی در دوران پس از جنگ معرفی کردند. کوهنه^۸ (۲۰۱۶) در کتاب خود با عنوان «نمایش مقاومت خاموش: هیستری مردانه در فیلمبرداری پزشکی جنگ جهانی اول» به بررسی تروما و یا همان روان زخم ناشی از جنگ جهانی اول بر روی افراد و خلیقات آن‌ها پرداخت. خسروشاهی بناب و حسامی کرمانی (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان «بررسی بازنمود روان زخم فردی و جمعی ناشی از دو جنگ جهانی در هنر با نگاهی به آثار دو تن از نقاشان آلمانی» با استفاده از روش تحقیق تحلیلی و تکیه بر آراء فروید به این نتیجه رسید که آثار هنری محملی برای بازنمود خاطرات روان زخم فردی و جمعی هستند. برای شناخت بهتر جنبه‌های مختلف فردی و جمعی روان زخم ناشی از جنگ، دو هنرمند آلمانی از دو نسل مختلف برای مطالعه موردی انتخاب شده‌اند. تعلق یکی به نسلی که جنگ را تجربه کرده است و دیگری به نسلی که پیامدهای جنگ را از نسل والدین خود میراث برده است، امکان مطالعه بهتر بازنمود روان زخم به مثابه تجربه‌ای فردی یا جمعی را فراهم می‌آورد. بهمین پور و نجومیان (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان «روایتی شیخ‌زده: بازنمایی روان زخم مهاجرت در سه گانه "هما و کاشیک" از مجموعه داستانی خاک غریب اثر جومیا لاهیری» با استفاده از روش تحقیق توصیفی- تحلیلی به این نتیجه رسیدند که روان زخم حاصل از مهاجرت و ترک (روانی) سرزمین مادری که از

رویکردی تفسیری، محتوای عکس‌ها تبیین و نتیجه‌گیری نهایی استنتاج شده است.

مبانی نظری

روان زخم

تروما به‌عنوان کلمه‌ی کلیدی همان روان زخم است، زخمی ناشی از شوک عاطفی، ضربه، خاطره، سرکوب شدن امیال و غیره (موسوی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۹:۳۳۱). از این رو تروما موجب اختلالات ذهنی و روانی و افزایش اضطراب می‌شود (خسروشاهی بناب و حسامی کرمانی، ۱۳۹۶:۷). علل بروز روان زخم یا همان تروما تأثیر رنج‌آور و دردناک حس وحشت، اضطراب، شرم یا هر حس دردآلود روانی دیگر مرتبط با حادثه که عامل مؤثر و پابرجای آسیب‌زای روانی است را شامل می‌شود (Alexander, 2004, 13). به‌طور کلی، تروما هم در واقعیت و هم در هنرهایی همچون عکاسی وجود دارد و درسی که می‌دهد با مرگ پایان نمی‌پذیرد؛ بلکه زنده می‌ماند تا جاودانگی را به دیگران بیاموزد (حشمتی و همکاران، ۱۴۰۲:۱۱۴). برای بیان تروما باید وارد دنیای زبان و معنا شد؛ چراکه اینجا تروما فرو نمی‌باشد و شاید بتوان گفت که عکس ثبت لحظه تا ابد است، می‌تواند به شخص ترومادیده توان و نیرو بدهد تا بتواند همچون فرد قوی برخورد کند و خود را بازسازد (حیدری‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴:۶۹). بنابراین تروما به‌صورت فردی و جمعی می‌تواند در همین عکس‌ها تجلی پیدا کند و بر مخاطب تأثیر بگذارد؛ چراکه با ثبت واقعیت و رخداد‌های نافرجام، علاوه بر ضبط وقایع برای طولانی مدت، بر روحیه و خلیات افراد نیز تأثیر می‌گذارند و گاه با درد و رنج همراه هستند (ملکی و همکاران، ۲۰۱۴:۲۰).

روان زخم فردی و جمعی

«فروید» در گزیده مقالات در باب هیستری و سایر روان رنجوری‌ها میان علل و علائم هیستری و روان زخم مشابهت‌هایی و برای آن، روان زخم فردی را مطرح نمود. او در تعریف علل بروز روان زخم تأثیر رنج‌آور و دردناک حس وحشت، اضطراب، شرم یا هر حس دردآلود روانی دیگر مرتبط با حادثه را عامل مؤثر و پابرجای آسیب‌زای روانی معرفی کرد و برخلاف تصور رایج، جراحت فیزیکی را کم اهمیت خواند (Freud, 2012, 3). سال‌ها بعد هنگام وقوع جنگ دوباره فروید بر اینکه در روان زخم ناشی از جنگ هم، علائم بیماری گاه بدون مداخله هر نوع نیروی مکانیکی خاص ظاهر می‌شود و نشانه‌های بیماری ذهنی و روانی الزاماً پس از آسیب‌های فیزیکی پدید نمی‌آیند، تأکید کرد (طایفی و صوابی، ۱۳۹۶:۱۴۰۲). رعب ناشی از شرایط جامعه و دوران که اغلب مستلزم تهدید جانی و رنج روانی متأثر از خشونت نبرد، تلفات ناشی از آن، تأثیرات اجتماعی و اقتصادی و غیره است، در فرد حس ناامنی، درد، رنج و ترس را ایجاد می‌نماید. عامل دیگر بروز روان زخم در فرد است (Brenner, 2011, 112-118). به‌طور کلی، «فروید» معتقد بود که آسیب روانی، خاطرهای از واقعه آسیب‌زا را شکل می‌دهد که خود به مثابه پدیده بیگانه‌ای عمل می‌کند (بقائی و پورگیور، ۱۴۰۰:۲۳). فروید این سازوکار را چنان تعریف کرد که گویی احضار مجدد خاطرات همانند بازسازی صحنه‌ای است که از چشم‌انداز آن می‌توان مجالی برای حلاجی و گفت‌وگو پیرامون ضربه روانی پیدا کرد،

منظر روانشناختی به مثابه کردن یا کنده شدن از شیخ مادری مُرده بوده و از این رو پروسه‌ای بس دردناک و طولانی است. تنها در ورای نسل‌ها و آن هم فقط در صورت تمایل سوژه مهاجر به اذعان، پذیرش و مواجهه معوق با درد آن پذیرش و در نتیجه شروع احتمالی پروسه دیرهنگام سوگواری امکان التیام می‌یابد - امکانی که البته ممکن است هر آینه به دلیل فعال شدن غیرارادی مکانیزم دفاعی سوژه، نیاز مبرمش به سردابه‌سازی و حفاظت از آن، تمایلی به فرار از مواجهه با درد و ترجیح ناخودآگاه الحاق به درون فکری منتفی شده، به تعویق افتاده و یا وارد چرخه معیوب برون‌ریزی (و نه پویش) در نسل‌های بعد شود. حیدری و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «زن در ادبیات از تروما (روان زخم) به خودشناسی رسیدن، با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی به این نتیجه رسیدند که زن در ادبیات می‌تواند از تروما به خودشناسی برسد. لازم به ذکر است که زن شاید به‌طور جبری باید در جامعه‌ای زندگی کند که تحت ستم، زور و کنترل کسانی است که شاید از جنس خودش و یا جنس مقابل باشند؛ ولی باید بپذیرد که درست است تروما عذاب‌آور است؛ اما در کنار آن می‌تواند لذت‌بخش هم باشد و زن تروما دیده همچون زنان قوی می‌تواند از هر تجربه تلخی درس بگیرد و آینده بهتری را برای خودش بسازد. جرارد فرم^۹ (۲۰۱۲) در کتاب خود با عنوان «کتاب گمشده در تراکنش» به بررسی مطالعات روان زخم در طی چند نسل پرداخت و بیان داشت که تجربیاتی که انسان نتوانسته به‌راحتی مهارشان کند؛ یعنی هر آنچه که به دلیل فرارفتن از سیطره قدرت تحمل و پذیرش وی روزی او را از پای درآورده است؛ در حوزه گفتمان اجتماعی غالب قرار نمی‌گیرند؛ بلکه اغلب به‌صورت یک واکنش احساسی شدید و یا یک آشفتگی مبرم در نسل بعد بروز پیدا می‌کنند. از این رو مهاجران نسل دومی که شناختشان از سرزمین مادری مرهون روایت‌های تمام و گفته شده بوده و حتی تعلق خاطر و حس وابستگی‌شان به سرزمین میزبان نیز همواره مورد حمله پروسه دیگری‌سازی است، در اصل وارث جای زخمی هستند که زخم‌هایش از آن خودشان نیست. با توجه به پیشینه پژوهش، مشخص گردید که تاکنون پژوهشی از باب واکاوی مفهوم تروما (روان زخم) در عکس آرتین سرایداران و باوان گلی از دیدگاه فروید انجام نشده است و پژوهش حاضر یکی از نخستین پژوهش‌ها در این باره است.

روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش، کیفی و براساس تحلیل منتخبی از تصاویر دو کودک ایرانی با خوانش مبتنی بر روانکاوی است که محتوای این آثار را در تعامل با روان زخم در بستر شرایط کشور ایران هنگام حملات تروریستی در آبان ماه ۱۴۰۱ بررسی می‌کند. برای این منظور، نخست روان زخم از دیدگاه روانکاوی فروید تعریف می‌شود و سپس آثار منتخب با روش توصیفی-تحلیلی در سنجش با ویژگی‌های طرح شده ارزیابی شده‌اند. برای جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است و در نهایت با کمک استدلال و واکاوی عکس‌های منتخب، تعامل آن با نظریه روانکاوی فروید مورد تحلیل قرار گرفته است. به این ترتیب، با تکیه بر راهبرد روانکاوی و با

به این ترتیب که فرایند روانی‌ای که در بدو امر پس زده شده است، باید تا حد امکان به همان وضوح بازسازی شود تا به وضعیت پیدایش بازگرداننده و سپس به تمام و کمال درباره‌اش مذاکره شود (موسوی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۹، ۲۳۲).

حال روان زخم جمعی یا روان زخم فرهنگی زمانی رخ می‌دهد که اعضای یک اجتماع حس کنند که گرفتار واقعه فاجعه‌باری شده‌اند؛ به نحوی که این فاجعه اثرات فراموش ناشدنی و ماندگاری بر آگاهی جمعی آن‌ها به جا گذارد، خاطرات فردی و جمعی‌شان را برای همیشه تحت تأثیر قرار دهد و هویت‌شان را اساساً و به‌صورت برگشت ناپذیری خدشه‌دار کند. مطالعه روان زخم جمعی رابطه‌ی علی معناداری میان وقایع گذشته با ساختارها، برداشتها و رفتارهای بعدی در جوامع نشان می‌دهد (Alexander, 2004, 1). در طول قرن بیستم، ابتدا در جوامع غربی پیرامون روان زخم از اعمال خشونت یا آزار و اذیت، دگرگونی‌های اجتماعی و حتی صرفاً وقایع و تغییرات غیرمنتظره و بدفراجم، سخن گفته‌اند (موسوی‌نیا و دهاقانی، ۱۳۹۵، ۲۰۰). گفتمان روان زخم زبانی را به افراد بخشیده است که آنان را به بیان آنچه بر خودشان و اجتماع‌شان گذشته است، قادر می‌سازد. «فروید» در «توتیم و تابو» در این باره نوشته بود که «فرایندهای روانی یک نسل به نسل بعدی انتقال می‌یابد و هیچ نسلی قادر نیست تکانه‌های روانی‌اش را از نسل مابعد خود پنهان دارد» (Freud, 1913, 84). این ادعا در مورد روان زخم جمعی هم صادق است و همان‌گونه که الکزندر^{۱۰} اشاره کرده، پردازش اجتماعی روان زخم جمعی آن را برای نسل بعدی به میراث می‌گذارد. به این ترتیب، تجربیات ناگوار و رنج روانی‌ای که گروه‌های اجتماعی در روان زخم جمعی از سر می‌گذرانند، برای نسل‌های بعدی عواقب روانی دارد؛ نسلی که وظیفه ناگزیری بر دوش دارد که در جهت کشف معنای آن آسیبی بکوشد که پیش از تولدش رخ داده است (طایفی و صوابی، ۱۶۸:۱۴۰۲). از این رو، لازم به ذکر است که در روان زخم جمعی هم، همانند روان زخم فردی، تنها وقتی آرامش روانی باز می‌شود و حقیقت واقعه آسیب‌زا بازیابی و درک می‌شود که خاطره به حافظه بازگردد و فرد و جامعه با این خاطرات کنار بیایند (Weisner, 2020, 2).

بحث و یافته‌ها

با توجه به رخدادهای آبان ۱۴۰۱ در ایران؛ از جمله عکس‌هایی که مستقیماً فاجعه رنج روانی و فیزیکی دو کودک را نشان داد، می‌توان به «آرتین سرایداران» و «باوان گلی» اشاره نمود.

آرتین سرایداران کودکی است که در جریان حادثه تروریستی حرم شاهچراغ در آبان ماه ۱۴۰۱، در شیراز، در مقابل چشمانش جان باختن پدر و مادرش را دید و خود نیز از ناحیه دست مجروح شد. عکس‌هایی که از این کودک گرفته شده است و رنج روانی و فیزیکی وی را نشان می‌دهد، بسیار دردآور است. در این عکس، هیستری آسیب‌زای فرد دیده می‌شود که مجبور است که شرایط ایجاد شده را بپذیرد و تقدیر را دنبال کند. این خصوصیت را می‌توان با گفته فروید «در هیستری آسیب‌زای فرد تحت تأثیر اجبار به تکرار شرایطی را دنبال می‌کند که تقدیر شوم محتوم او می‌کند، مقایسه کرد» (فروید، ۱۳۸۲: ۳۹). در تصویر (۱) که عکس آرتین سرایداران در بیمارستان را نشان می‌دهد و او در حالتی از

غم در خود جمع شده است، باز نمود این ناآرامی و کشمکش درونی را در چهره و فرم بدن می‌توان مشاهده کرد. چشم‌های او دیگر شادابی ندارند و به طرفی خیره شده‌اند (گویی که دیگر جان و روح ندارند و سرشار از غم هستند). به‌گونه‌ای که دیگر زندگی برای او بی‌معنا شده است. عکس او پس از رخداد حادثه تروریستی، تماماً از تجربه آسیب‌زای روزی تأثیر می‌گیرد که او را گرفتار روان زخم دیرپایی ساخته است. عکس‌های او پس از رخداد این حادثه و تجربه تلخ وی نشان از تکرار مداوم و وسواس‌گونه او برای «مرور دوباره اتفاق تلخ زندگی‌اش» است. اجبار به تکرار صحنه‌های تروییستی حرم شاهچراغ در قالب تصاویری که با برداشتی احساسی و دردناک فاجعه تجربه شده را روایت می‌کنند، هم مواجهه فردی او با این آسیب است و هم صحنه‌ای که جامعه بحران‌زده را بار دیگر در برابر رخدادهای تلخ تروریستی و سیاسی همچون گذشته قرار می‌دهد. به‌طور کلی، در عکس‌های آرتین سرایداران، روان زخم با نشانه‌هایی همچون حس وحشت، حس دردآلود روانی در چشمان این کودک و بدن جمع‌شده در خویش همراه با سردی و بی‌حالی چهره و عدم برخورداری از رمق برای صحبت کردن و انجام فعالیت روبه‌رو است. این همان است که فروید به آن در تعریف علت‌های تجلی روان زخم اشاره داشت: «علل بروز روان زخم تأثیر رنج‌آور و دردناک حس وحشت، اضطراب، شرم یا هر حس دردآلود روانی دیگر مرتبط با حادثه و پابرجای آسیب‌زای روانی است» (Freud, 2012, 3).



تصویر ۱. آرتین سرایداران (https://fararu.com)

یکی از عوامل مؤثر در ایجاد روان زخم در عکس آرتین سرایداران، مبتنی بر ترس نشئت گرفته از شرایط جامعه و دوران پس از مرگ والدین او و رنج روانی بعد از این رخداد است که به دنبال خود موجب تأثیرات نامناسب روحی، رفتاری و اجتماعی در وی می‌گردد؛ چراکه این حادثه به‌صورت مکرر، مدت‌های زیادی بر روان این کودک تأثیر می‌گذارد. این ویژگی نیز از دیدگاه فروید در رابطه با روان زخم ارائه گشته است «آسیب روانی، خاطره‌ای از واقعه آسیب‌زا را شکل می‌دهد که مدت‌های طولانی پس از آن واقعه روان را تحت تأثیر قرار می‌دهد» (Freud, 2012, 12). در تصویر (۲) از آرتین سرایداران می‌توان بازسازی کابوس‌ها و رنج‌های او را با گذر زمان باز هم مشاهده نمود.

دیگر عکس‌های این کودک پس از رخداد این حادثه و تجربه تلخ وی نشان از تکرار مداوم و وسواس گونه‌اش برای «مرور دوباره اتفاق تلخ زندگی‌اش» بود. اجبار به تکرار صحنه مرگ مادرش در قالب تصاویری که با برداشتی احساسی و دردناک فاجعه تجربه شده را روایت می‌کنند (تصویر ۴)، هم مواجهه فردی او با این آسیب بود و هم صحنه‌ای که جامعه بحران‌زده را بار دیگر در برابر رخدادهای تلخ تروریستی و سیاسی همچون گذشته قرار می‌داد. به‌طور کلی، در عکس‌های این کودک، روان زخم با نشانه‌هایی همچون حس وحشت از عدم داشتن مادر، حس دردآلود روانی در چشمان، دست‌ها و حالت غم چهره این کودک و عدم برخورداری از رمق به علت گریه کردن زیاد برای دردش روبه‌رو است. فریاد از این مهم در تعریف علت‌های تجلی روان زخم اشاره داشت: «علل بروز روان‌زخم تأثیر رنج‌آور و دردناک حس وحشت، اضطراب، شرم یا هر حس دردآلود روانی دیگر مرتبط با حادثه و پابرجای آسیب‌زای روانی است» (Freud, 2012,3).



تصویر ۴. باوان گلی (https://fararu.com)

عکس‌های آرتین سرایداران و باوان گلی علاوه بر ایجاد روان زخم فردی برای خودشان، دارای روان زخم جمعی نیز در جامعه گردید. سیاست خاطره حمله تروریستی در شاه چراغ و مرگ مادر باوان گلی تابعی از عوامل سیاسی بوده است؛ به این معنا که ترویج‌های این حمله هدایتگران اصلی خاطره‌سازی از این حمله بودند که با مرگ والدین آرتین سرایداران و مادر باوان گلی به انتها رسید و سیاست آن‌ها تنها سکوت بود. روان زخم جمعی مبتنی بر عکس‌های این دو کودک با همدردی‌ها و حس‌های رنج و دردی که برای مردم ایران ایجاد گردید و مردم ایران احساس نمودند که درگیر واقعه فاجعه‌باری شدند، رخ داد؛ چراکه عکس‌عمل و بازخوردهای زیادی در این رخداد تلخ از جانب مردم ایران و ابراز همدردی و همدلی با این دو کودک در فضای مجازی مشاهده گشت. این رخدادها تلخ و فاجعه دردناک به دلیل برگشت‌ناپذیر بودن به گونه‌ای فراموش نشدنی و ماندگار در ذهن مردم ایران ماندگار گشت. در این باره نیز فروید اذعان نموده است که «در جهان پیرامونی، مردم مکرراً درباره ابتلایشان به روان زخم تجربیاتی از قبیل حوادث و فجایع (ناشی از عوامل بشری یا طبیعی) صحبت می‌کنند» (فروید، ۱۳۸۲: ۲۸). از این رو، چنین فرایند روان زخمی به نسل‌های آتی کشورمان هم انتقال پیدا می‌کند.

نتیجه‌گیری

خاطراتی از واقعه که با رعب و دیگر احساسات و تأثیرات روانی در پیوند هستند، خود در قالب عاملی جدید، بارها باعث انگیزش مجدد تأثرات



تصویر ۲. آرتین سرایداران (https://fararu.com)

آشفته‌گی درون این کودک، در تکرار کابوسش، در تصاویر او بازتاب شده است، این کابوس او قبل از آنکه بتواند به سمت روایتی هدایت شود که مجال همدلی، انتقال احساسات، تسلط بر خاطره فاجعه و آرامش روان جمعی را فراهم آورد، با رخدادی دیگر برای کودکی به نام «باوان گلی» شعله‌ورتر شد و منتهی به کابوس ترسناک‌تری گشت. باوان گلی، کودکی است که مادرش با شلیک مستقیم گلوله جنگی جان باخته است. این کودک به دلیل سن کمش، خاطرات و تجربه‌ای از درد روحی و روان زخم نداشت. با وجود این، با رخداد ایجاد شده برای او و پیامدهای ناشی از این رخداد، آسیب دیده است. روان زخم ایجاد شده در تصویر باوان گلی (شکل ۳) از رخداد تلخ و اتفاق ناگوار تأثیر گرفته است و به نوبه خود بر روح کودک تأثیر گذاشته است و در پیوند با احساساتی چون عدم اعتماد به نفس، درد روحی، رنج، عدم انکار و پذیرش است. در این عکس هم همچون عکس آرتین سرایداران، هیستری آسیب‌زای فرد دیده می‌شود که مجبور است که شرایط ایجاد شده را بپذیرد و تقدیر را دنبال کند. در این عکس، او بر سر مزار مادرش است و از شدت درد روحی و رنجی که می‌برد، چهره‌اش فشرده و دگرگون شده و حالت چشم‌ها و دهان او گریه‌های بی‌امانش را نشان می‌دهد. رنجی که او می‌کشد، در حالت مشت کردن دست‌هایش بر مزار مادرش، به‌خوبی روان زخم و درد روحی این کودک را نشان می‌دهد. باز نمود این ناآرامی و کشمکش درونی این کودک با حالات مطرح‌شده، به‌خوبی در تصویر (۳) می‌توان دید (گویی که دیگر شادی در او وجود ندارد و درد و رنج سرتاسر وجودش را گرفته است)؛ به‌گونه‌ای که دیگر زندگی برای او بی معنا شده است.






تصویر ۳. باوان گلی (https://fararu.com)

دیگر مرتبط با حادثه که عامل مؤثر و پابرجای آسیب‌زای روانی است را شامل می‌شود. با انتشار تصاویر و بیانیه‌های منتشر شده پیرامون این دو کودک، تأثیر روان زخم فردی، به روان زخم جمعی در ایران تبدیل شد و به نوعی عکس‌های این دو کودک تلافی میان بازنمایی رنج شخصی و رنج عمومی هستند که منجر به بدل شدن روان زخم فردی به جمعی گشته‌اند. روان زخم جمعی برای مردم ایران با عکس‌های آرتین سرایداران و باوان گلی به صورت فرهنگ جراحات نمود پیدا کرده است، جراحی که به روان زخم تنیده در تاروپود این عکس‌ها وجود دارد و همچنان حس رنج و درد روان زخم یک شاهد عینی را مقابل مخاطب قرار می‌دهد. به شکلی که حتی با گذر ماه‌ها و تا به امروز مردم ایران تصاویر این دو کودک را همانند کابوسی که دوباره به سراغشان بیاید، تجربه می‌کنند و تحت فشار روانی رجوع این دو رخداد تلخ که بنا بوده فراموش شود، در برابر این تصاویر گرفتار سرگشتگی، وحشت و دردی می‌شوند که اکثریت آن‌ها از دلیل آن ناآگاه هستند.

ناخوشایندشان می‌شوند. یادآوری این خاطرات و درک قدرت محرک آن‌ها، از رهگذر بازنشان‌شان در بطن واقعه‌ای که از آن نشئت می‌گیرند، کارکرد آسیب‌زای این خاطرات را خنثی می‌کند. فریود این سازوکار را چنان تعریف کرد که گویی احضار مجدد خاطرات همانند بازسازی صحنه‌ای است که از چشم‌انداز آن می‌توان مجالی برای حل‌اجی و گفت‌وگو پیرامون ضربه روانی پیدا کرد، به این ترتیب که فریود روانی‌ای که در بدو امر پس زده شده است، باید تا حد امکان به همان وضوح بازسازی شود تا به وضعیت پیدایش بازگردانده و سپس به تمام و کمال 'درباره‌اش مذاکره شود.

با توجه به مطالعات انجام شده، عکس‌های آرتین سرایداران و باوان گلی، به نوعی بازنمایی فاجعه مبتنی بر احضار آن هستند و همچنین بر رخداد‌های تلخ برای این دو کودک و حس درد و رنجی که در عکس‌های این دو کودک در حالات چهره و فرم بدنشان می‌توان دید، روان زخم فردی به خوبی هویدا است و دارای نشانه‌های روانکاوی همچون رنج و درد، حس وحشت، اضطراب یا هر حس دردآلود روانی

جدول ۱. تبیین یافته‌ها، (نگارندگان، ۱۴۰۲)

نشانه‌های روانکاوی	ماندگاری		اختلالات روحی و ذهنی	اضطراب	درد و رنج روحی	واکاوی مفهوم تروما (روان زخم) در عکس آرتین سرایداران و باوان گلی از دیدگاه فریود
	برگشت ناپذیر		روان زخم فردی (آرتین سرایداران و باوان گلی) (روان زخم فردی)	رخداد نافرجام	رخداد نافرمام	
			هیستری آسیب‌زا فردی			
	خنثی کردن کارکرد آسیب‌زا					
			جامعه بحران‌زده و روان زخم جمعی			
	یادآوری خاطرات و درک قدرت محرک آن‌ها		این دو عکس به مثابه صحنه‌هایی از رخداد‌های تلخ هستند که مخاطب را به درون خویش می‌کشند و با ارجاع به حافظه جمعی‌ای که از رخداد آبان ماه ۱۴۰۱ دارند، رعب و ترسی را که بنیان روان زخم فردی و جمعی است، مجدداً در اذهان بیدار می‌نمایند.			

9. Gerard Fromm
10. Alexander

پی‌نوشت

1. Salman Akhtar
2. Mary Kay O'Neil
3. Beckett
4. Marcel Proust
5. Arthur Schopenhauer
6. Thomas Mann
7. Dante
8. Köhne

منابع

- آدورنو، تئودور؛ هابزبام، اریک، سعید، ادوارد، گیلوچ، گرام و کیلی، جین. (۱۳۹۹). *خاطره، تاریخ و تروما؛ سیاست و ابداع خاطره، گردآوری و ترجمه سپیده برزو*. تهران: خرد سرخ.
- بقائی، احسان و فریده پورگیور. (۱۴۰۰)، «تروما در داستان پسا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱: مطالعه موردی مندی پور و مک یوئن»، فصلنامه پژوهش ادبیات معاصر جهان، دوره ۲۶، شماره ۱، ۲۲-۳۸.
- بهمن پور، بهاره و امیرعلی نجومیان، (۱۳۹۶). «روایتی شبح‌زده: بازنمایی روان زخم مهاجرت در سه گانه "هما و کاشیک" از مجموعه داستانی خاک غریب اثر جومیا لاهیری»، فصلنامه نقد زبان و ادبیات خارجی. دوره ۱۴، شماره ۱۹، ۷۷-۹۷.
- حشمتی، رسول؛ بیرامی، منصور و حسین نوروزی. (۱۴۰۲)، «نقش تجربه زیسته روان زخم در کودکی و خودتخریب‌گری بر پندار خودکشی: اثر واسطه‌ای فرونشانی عاطفی»، فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی. دوره ۱۸، شماره ۶۹، ۱۱۳-۱۲۱.
- خسروآبادی، علیرضا، و کامران سپهران. (۱۴۰۱)، «رنج در معرض نمایش؛ مطالعه‌ای بر رنج و تروما در نسبت با آثار ساموئل بکت»، فصلنامه هنرهای زیبا، دوره ۳، شماره ۸، ۳-۱۱.
- حیدری‌زاده، نگین؛ موسی‌نیا، سید رحیم و بهنوش اخوان. (۱۳۹۴)، «زن در ادبیات تروما (روان زخم) به خودشناسی رسیدن». فصلنامه زن و فرهنگ، سال ۶، شماره ۲۴، ۶۷-۷۹.
- خسروشاهی بناب، مریم و منصور حسامی کرمانی. (۱۳۹۶)، «بررسی بازنمود روان زخم فردی و جمعی ناشی از دو جنگ جهانی در هنر با نگاهی به آثار دو تن از نقاشان آلمانی»، فصلنامه باغ نظر، سال ۱۴، شماره ۵۲، ۵-۱۶.
- دیانت، فرشته. (۱۳۹۶)، «بررسی اهمیت نشانه‌شناسی (دلالت معنایی) در عکس‌های مفهومی. نشریه مبانی نظری هنرهای تجسمی»، دوره ۲، شماره ۴، ۷۱-۸۴.
- صدیقی فرد، مرتضی و مهدی مقیم‌نژاد. (۱۴۰۱)، «بررسی مفهوم سبک در عکاسی با تأکید بر جنبش پیکتوریالیسم»، فصلنامه مطالعات هنر و رسانه، دوره ۴، شماره ۱، ۹۹-۱۲۶.
- طایفی، شیرزاد و آذر صوابی اصفهانی. (۱۴۰۲)، «بازنمایی ترومای ناشی از جنگ و پی‌آمدهای آن در رمان دیوار». فصلنامه ادبیات پارسی معاصر، سال ۱۲، شماره ۲، ۱۶۵-۱۸۸.
- کاپلان، ای. آن. (۱۴۰۲)، *فرهنگ روان زخم (تروما). سیاست ترس و فقدان در سینما، ادبیات و رسانه، ترجمه سید شهاب‌الدین ساداتی و مریم طریقت بین*. چاپ اول. تهران: لوگوس.
- ملکی، مزگان؛ حسن پور، محمد و شکوفه ماسوری. (۱۴۰۱)، «تحلیل زمان‌های درهم‌رونده در عکس‌های یادمانی از منظر آراء برگسون و فروید»، فصلنامه رهپویه هنر، دوره ۵، شماره ۳، ۱۹-۲۸.
- موسوی‌نیا، سید رحیم؛ دهاقانی، مهسا و کریم لویمی مطلق. (۱۳۹۹)، «روان زخم و پیامدهای آن با تأکید بر دیدگاه اسلاوی ژیزیک»، فصلنامه نقد و نظریه ادبی، شماره ۱۰، ۳۳۱-۲۵۰.
- موسوی‌نیا، سید رحیم و مهسا دهاقانی. (۱۳۹۵)، «روان زخم و بازنمایی آن در داستان «قورباغه عظیم توکیو را نجات می‌دهد»، نشریه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره ۱۲، شماره ۴۴، ۱۹۹-۲۱۹.
- هاشمی، سید محسن؛ یوزباشی، طیبه و عطیه نتاج مجد. (۱۴۰۰)، «شناسایی و بررسی هنر بازنمایی در عکس مفهومی»، فصلنامه دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال ۴، شماره ۴۱، ۸۴-۹۴.
- Alexander, Jeffrey C. 2004. *Toward a Theory of Cultural Trauma*. In *Cultural Trauma and Collective Identity*. Berkeley: University of California Press.
- Alexander, Jeffrey C., et al., (2004). *Cultural Trauma and Collective Identity*. Berkeley: University of California Press.
- Brenner, I. (2011). *An Unusual Manifestation of Repetition Compulsion in Traumatized Patients*. In *On Freud's Beyond the Pleasure Principle*. Edited by Salman Akhtar and Mary Kay O'Neil. London: Karnac
- Fromm, Gerard M. 2012. ed. *Lost in Transmission: Studies of Trauma Across Generations*. London.
- Freud, S. (2012). *Selected Papers on Hysteria and Other Psychoneuroses*. New York: The Journal of Nervous and Mental Disease Publishing Company.
- Freud, S. (1913). *Totem and Taboo: Some Points of Agreement between the Mental Lives of Savages and Neurotics*. Translated by Strachey, J. London: Taylor & Francis.

- Kathy ,Caruth,1996. Trauma narrative and history, University of California Press.
- Köhne, J. 2016. Screening Silent Resistance: Male Hysteria in First World War Medical Cinematography. In Psychological Trauma and the Legacies of the First World War. New York: Palgrave Macmillan
- Mucci, C. 2013. Beyond Individual and Collective Trauma: Intergenerational Transmission, Psychoanalytic Treatment, and the Dynamics of Forgiveness. London: Karnac
- Weisner, Lauren.2020. “Individual and Community Trauma: Individual Experiences in Collective Environment”, Illinois Criminal Justices Information Authority Center for Violence Prevention and Intervention Research.1-12.

Analyzing the concept of trauma (wound psyche) in the photos of Artin Saraidaran and Bavan Goli from Freud's point of view

Abstract

Trauma is considered as an individual and collective phenomenon. In the photos taken of bitter events for children, the type of trauma created needs to be recognized and analyzed in order to prevent its lasting effects. Therefore, the main goal of the research was to find the theme of wound psyche in the photos of Artin Saraidaran and Bhavan Goli from Freud's point of view, and the question is how the concept of individual and collective wound psyche can be explained and seen in these two photos with Freud's psychoanalytic theories. ? In order to answer this question and achieve the goal of the research, the qualitative research method of descriptive-analytical type and the method of collecting information in the form of library studies have been used to analyze individual and collective psychological wounds in these photos. Finally, the results showed that the photos of Artin Saraidaran and Bhavan Goli are a kind of representation of the disaster based on its summoning and based on the bitter events for these two children and the sense of pain and suffering that can be seen in the photos of these two children in their facial expressions and body shape. The wound psyche is a well-identified individual and has psychoanalytic symptoms such as suffering and pain, fear, anxiety, or any other psychologically painful feeling related to the incident, which is an effective and persistent cause of psychological trauma; is. With the publication of pictures and statements published about these two children, the impact of individual trauma became a collective trauma in Iran, and in a way, the photos of these two children are a cross between the representation of personal suffering and public suffering, which leads to the transformation of individual trauma into have become collective Collective trauma for the people of Iran has been manifested in the form of injury culture with these two photos, which continue to present the suffering and pain of the trauma of an eyewitness to the audience.

Key words: trauma, photo, Freud, Artin Saraidaran, Bhavan Goli